

نقش خاندان اغلبی در تحول شهرسازی و معماری اسلامی در مغرب ادنی (۱۸۴ - ۲۹۶ ق)

بهادر قیم^۱

مریم تاباق^۲

چکیده

دولت بنی اغلب (۱۸۴ - ۲۹۶ ق) در مغرب ادنی شکل گرفت و از سوی خلافت عباسی نیز تأیید گردید. در این دوره معماری دچار تحولات جدید و شگرفی گردید به طوری که منجر به پیدایش شیوهی جدیدی از شهرسازی گشت. در معماری شهری اغلبی، ترکیب فنون معماری رومی - بیزانسی، آمازیغی و ایرانی - اسلامی به چشم می خورد. این فرایند تحولی، نتیجهی سیاست تسامح گرایی و عدم تعصب اغالبه در بکارگیری فنون مختلف سایر ملل در معماری بوده است. شهرهایی چون عباسیه ی اول و دوم و رقاده نمایندگان واقعی امتزاج فنون در این دوره هستند. علاوه بر این، مساجد به عنوان عنصر دیگر معماری اسلامی از این تأثیر بی نصیب نبودند، به طوری که می توان تحولات معماری جدید را در مساجد قیروان، عباسیه و رقاده مشاهده کرد.

واژه های کلیدی: بنی اغلب، مغرب ادنی، معماری اسلامی، رقاده، قیروان، عباسیه.

مقدمه

توسعه‌ی فرهنگی و تمدنی رابطه‌ی معناداری با سکون و آرامش در یک فضای جغرافیایی دارد چرا که در شرایط سکون و آرامش است که اقتصاد یک منطقه شکوفا و به دنبال آن زنجیره‌ای از توسعه حاصل می‌گردد. منطقه‌ی مغرب قبل از ورود مسلمانان و تأسیس دولت اغلب تحت سلطه‌ی رومی‌ها قرار داشت. حوادث تاریخی نشان می‌دهد که این منطقه از قرن ۳ میلادی تا اواخر قرن ۷ میلادی شرایط بحرانی و بد اقتصادی را تجربه کرده است. این شرایط متأثر از هجوم‌های پی‌درپی بر این منطقه و قیام بربرها علیه حاکمان بیگانه بوده است. این روند در دوره‌ی والیان اسلامی نیز استمرار یافت؛ زیرا در این دوره قیام‌ها و ایستادگی‌های کسبیه و کاهنه در برابر مسلمانان و عملکرد بنی‌امیه در سخت‌گیری‌های مالیاتی بر مردم که قیام بربرها را به همراه خوارج صفریه و اباضیه به دنبال داشت، باعث گردید تا مغرب ادنی صحنه‌ی درگیری سپاهیان اموی و عباسی و گروه‌های بربر و خوارج گردد. به همین دلیل در ابعاد اقتصادی و عمرانی پیشرفت‌های محسوس صورت پذیرفت؛ اما با روی کار آمدن خاندان اغلبی و تکوین نظام سیاسی آن‌ها در مغرب ادنی کشاورزان نوعی از آرامش را احساس کردند و در سایه‌ی چنین فضایی که دوران زیادی از حاکمیت بنی اغلب را شامل می‌شود، پیشرفت‌های اقتصادی و عمرانی به وقوع پیوست. خاندان اغلبی در این مسیر پیشوایان خود یعنی خلفای عباسی را الگو قرار دادند. از سوی دیگر، تأثیر ارتباط فرهنگی و تمدنی قیروان، پایتخت اولیه‌ی بنی اغلب، با سایر نقاط جهان را نباید از نظر دور داشت. در قیروان گروه‌های فکری زیادی از شرق و غرب جهان اسلام هم در بعد دینی و هم در بعد دنیوی به حیات خود ادامه دادند. این بستر در سایه‌ی تسامح و سیاست توجه به اقوام و گروه‌های مختلف توسط حکام بنی اغلب به وجود آمد و زمینه‌ی پیشرفت‌های تمدنی را فراهم ساخت.

مسلمانان بعد از فتح مصر به سوی نواحی غربی مصر یعنی بلاد مغرب رهسپار شدند. در دوره‌ی خلافت عثمان (۲۳-۳۵ ق) فتوحات بلاد مغرب با فتح مغرب ادنی (افریقیه) آغاز گردید. زمان آغاز فتح مغرب ادنی (۲۷ ق) تا تشکیل دولت بنی اغلب در مغرب ادنی (۱۸۴ ق) به دوره‌ی والیان معروف است. در این دوره شهرهای تونس و قیروان در مغرب ادنی ساخته شدند. مهاجرت اقوام و گروه‌های مختلف به این منطقه ترکیب جمعیتی جدید را به وجود آورد که عناصر آن را اقوام افارقه، رومی، عرب، آمازیغی و حتی ایرانی (خراسانی) تشکیل می‌داد (ابن رقیق قیروانی، ۱۴۱۴: ۲۰). عدم وجود یک حکومت مرکزی مقتدر و ظلم و تعدی و سوءتدبیر والیان، مغرب ادنی را دچار اختلاف و تشتت کرد که نتیجه‌ی آن بروز شورش‌های منطقه‌ای متعدد بوده است. بعد از شکل‌گیری دولت بنی اغلب (۱۸۴-۲۹۶ ق) این خاندان توانستند تحولات فراوانی را در مغرب ادنی ایجاد و آن را از سایر مناطق متمایز کنند. معماری در این دوره نمونه‌ای از امتزاج فنون سایر ملل

بوده است که در نوع خود بی‌نظیر است. اغالبه در بنیان امصار جدید، تأسیسات مختلف و حتی مساجد علاوه بر فنون اسلامی از فنون غیراسلامی (بیزانسی - رومی و افریقی) نیز استفاده و نوعی معماری چند ملیتی را در مغرب ادنی به وجود آوردند. هدف از این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی ارائه گردیده، آن است که با بررسی نقش خاندان اغلبی در تحول شهرسازی و معماری اسلامی در مغرب ادنی به این سؤال پاسخ دهد که معماری این دوره از تاریخ افریقیه چه تحولاتی را دربرداشته است؟ در مورد پیشینه‌ی این موضوع آثاری چون ورقات عن الحضاره العربیه بافریقیه التونسیه از حسن حسنی عبدالوهاب به بررسی تاریخ بنی اغلب و تحولات تمدنی این دوره پرداخته است. در کتاب المغرب الكبير العصر الاسلامی از عبدالعزیز سالم نیز به تاریخ سیاسی و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این دوره پرداخته شده و در کتاب مساجد قیروان از نجوی عثمان تحولات قیروان در دوره‌ی بنی اغلب مورد بررسی قرار گرفته است. در کتاب المساجد التاريخیه الکبری از یوسف فرحات به تحولات معماری مساجد در این دوره و در کتاب تاریخ تمدن مغرب از حسین مؤنس به تاریخ و تمدن این دوره پرداخته شده است. در این پژوهش جنبه‌های مختلف معماری مغرب ادنی و تأثیر فنون ملل دیگر در دوره‌ی اغالبه مورد بررسی قرار گرفته و نسبت به سایر پژوهش‌های دیگر از تفصیل بیشتری برخوردار است و سعی داریم در این پژوهش به صورت جامع و کامل معماری این دوره را مورد بررسی قرار دهیم.

مغرب ادنی و خاندان اغلبی

مسلمانان طی فتوحات خود در بسیاری از سرزمین‌ها همواره باعث تحولات معماری در منطقه‌ی مفتوحه گردیدند. با توجه به اینکه بسیاری از این سرزمین‌ها از لحاظ دینی، فرهنگی و تمدنی با مسلمانان تفاوت داشته‌اند، در بعضی موارد تغییرات معماری ضروری به نظر می‌رسید. در سرزمین‌هایی چون ایران، شام، مصر و... تحولات معماری زیادی رخ داد که بسیاری از آن‌ها ناشی از فرهنگ اسلامی بوده است. افریقیه از این قضیه مستثنی نبود و بعد از فتح این اقلیم ساخت شهر قیروان با معماری اسلامی سرآغاز این تحول گردید. مقدسی در بیان فضای جغرافیایی مغرب، آن را سرزمین خوش منظر بزرگ و ثروتمند که شهرهای فراوانی داشته و دارای ویژگی‌های شگفت‌انگیز و رفاه زیادی بوده، ذکر کرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۱۰). مغرب در دوره‌های مختلف شاهد شکل‌گیری دولت‌ها و نظام‌های سیاسی متفاوتی بوده است. مغرب ادنی، محل حکومت دولت بنی اغلب، را افریقیه می‌نامیدند که شامل تونس و بعضی از قسمت‌های شرق الجزایر است. مرکز این حکومت شهر قیروان بوده است (حدود العالم من المشرق الی مغرب، ۱۳۶۲: ۱۷۸).

کمک‌های ابراهیم بن اغلب (مؤسس دولت اغلبی) و دل‌بستگی سپاهیان به وی و عدم رضایت مردم از محمد بن مقاتل در دوره‌ی حکومت والیان باعث شد که در آینده-ای نه چندان دور اولین حکومت اسلامی سنی مذهب در افریقاییه به دست ابراهیم بن اغلب (۱۸۴-۱۹۶ ق) به نام دولت اغلبیان (۱۸۴-۲۹۶ ق) تأسیس گردد. یعقوبی تأسیس این حکومت را بعد از فوت ابن مقاتل دانسته است که بلافاصله هارون‌الرشید فرمان حکومت این منطقه را به دست یحیی بن موسی الکنندی برای ابراهیم بن اغلب فرستاد (یعقوبی، ۱۳۶۲: ۴۱۷).

بنی اغلب خاندانی از عرب تمیمی بودند که از سال ۱۸۴ تا ۲۹۶ ق/۸۰۰ تا ۹۰۹ م در مغرب ادنی حکومت کردند. اغلب بن سالم بن عقال تمیمی، جد این خاندان، اهل مرورود بوده است که همراه سپاه‌جامگان از خراسان آمده و بر مغرب ولایت یافت (بلادری، ۱۳۶۷: ۳۲۵). اغلب از ابتدا از طرفداران و حامیان عباسیان بود و در خراسان به ابومسلم و قیام او کمک کرد (همان، ۱۳۶۷: ۲۳۲).

در نهایت، اغلب در درگیری با شورش حسن بن حرب کندی در سال ۱۵۰ هجری کشته شد (همان، ۱۳۶۷: ۷۵). در این زمان، فرزندش ابراهیم، مؤسس دولت اغلبی، کودکی ده‌ساله بود (شاکر، ۱۴۲۱: ۱۶۳). روی کار آمدن دولت اغلبی در مغرب حرکت جدیدی در نظام‌های حکومتی اسلامی بود که محدوده‌ی تحت حکومت اغالبه از غرب به ادنه و از جنوب به وادی ریغ و رودخانه‌ی جرید و از شمال به سطیف و میله محدود می‌شد. آخرین مرز بنی اغلب از سمت مغرب اوسط، شهر آرَبَه بود و به قول یعقوبی «سپاه پرچمان (بنی‌العباس) از آنجا پیش نرفتند» (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). در بعد مذهبی، خاندان بنی اغلب توانستند مذهب سنت را در مغرب ادنی رسمیت بخشند (محمدکرو، ۱۹۸۹: ۲۸). برخی سیاست‌های اغلبیان در شهرنشین کردن بدوی‌ها بسیار مؤثر بود. آنان توانستند افریقاییه را به محیط اسلامی تبدیل و زبان عربی را جایگزین زبان‌های محلی و رومی کنند. در مقدمه‌ی ابن خلدون آمده است که افریقاییه و مغرب به نسبت دیگر بلاد عجم از تمدن و شهرهای کم‌تری برخوردار بوده است؛ چون بربرها از هزاران سال قبل از اسلام ساکن این منطقه بودند و زندگی آنان به صورت بدوی بوده است و تلاش زیادی در حفظ این نوع زندگی و سنت‌های خود داشته‌اند؛ و علی‌رغم تسلط فرانک‌ها و عرب‌ها بر این بلاد، همچنان زندگی بدوی در نقاطی از این سرزمین پابرجا ماند (ابن خلدون، ۱۴۲۷: ۳۳۲-۳۳۳). در گفتار ابن خلدون قدری باید تأمل کرد؛ زیرا باید توجه داشت نقاط ساحلی (کمربند ساحلی مدیترانه) در شمال افریقا از لیبی تا مراکش (مغرب) حاصلخیز و خوش آب‌وهواست و کانون شهری و شهرنشینی به شمار می‌آید اما هر چه از ساحل دور شویم و به سوی جنوب یعنی صحرا پیش رویم در آنجا زندگی شهری جای خود را به زندگی بدوی می‌دهد. طبق دیدگاه جدید،

در واقع هنگام آمدن اعراب مسلمان در عصر فتوحات، مناطق مغرب ادنی توسط رومی‌ها و بیزانسی‌ها ویران شده بود.

دولت‌های فنیقی، رومی، واندال و بیزانسی قبل از اسلام در مغرب حکم راندند و هر کدام به سهم خود تغییراتی در این منطقه ایجاد کردند. یک نمونه‌ی بارز معماری این دوره-ها، شهر قرطاجنه است که بیانگر فنون رایج در هر دوره بوده است.

با گسترش اسلام در سرزمین‌های جدید، معماری مناطق فتح‌شده‌ی بلاد مغرب توسط مسلمانان به کار گرفته شد و درواقع معماری مسلمانان در مغرب مدیون معماری سوری، قبطی، افارقه و آمازیغی‌ها (بربر) است (مارسیه، ۱۹۶۸: ۹۰-۹۱). عصر بنی‌اغلب نخستین دوره‌ی شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در منطقه‌ی مغرب ادنی است. شهرسازی و پیشرفت‌های معماری در دوره‌ی اغلبی در آغاز متأثر از هنر اموی و سپس هنر رومی و ایرانی است. گسترش شهرسازی از جمله پدیده‌های بارز عصر اغلبی است و در این دوره سه شهر جدید به نام‌های عباسیه‌ی اول و دوم و شهر رقاده ساخته شد (شهیدی پاک، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

بنی‌اغلب فنون معروف معماری بغداد، دمشق، قاهره و فنون رومی - بیزانسی رایج در ادوار گذشته در این منطقه را امتزاج و تحول معماری زیبایی را در این منطقه ایجاد کردند؛ به طوری که برخی از آثار این دوره چنان زیبا ساخته شدند که شخصیت‌های بزرگ تاریخی چون عبیدالله مهدی را مجبورکرد تا به زیبایی آن‌ها اعتراف کند. شهر رقاده نماد کامل این معماری است. فنون زیبای معماری اسلامی و فنون معماری منحصر به فرد رومی - بیزانسی آن در منابع مختلف توصیف شده است (حموی، ۱۳۹۷: ۳/۵۵۳؛ بکری، بی‌تا: ۲۷). در این دوره علاوه بر ساخت شهرهای جدید، در ترکیب و تغییر معماری شهرهایی چون تونس و قیروان اقداماتی به عمل آمد و چهره‌ی معماری شهرها دگرگون گشت.

در مغرب ادنی اولین بار بود که امتزاج فنون در معماری باعث چنین اتفاق شگرفی شد. در دوره‌ی فتوحات و عصر والیان، ساخت‌وسازهای اندکی در قالب چند مسجد و دو شهر با فنون کاملاً ساده و اسلامی انجام گرفت. بنی‌اغلب با تأسیس شهرهای جدید بر پایه‌ی تلفیق معماری نقاط مختلف، هدف سیاسی را نیز دنبال می‌کرد و آن کنترل و مهار ایلات و قبایل کوچ‌رو از طریق برپایی شهرهای جدید متناسب با روحیه‌ی این قبایل بوده است؛ زیرا در دوره‌های قبل این ایلات و قبایل به‌عنوان نیروهای تهدیدکننده‌ی امنیت مناطق مختلف ساحلی بوده‌اند (کوئنو، ۱۳۸۴: ۱۶۷-۱۶۸).

شهرهای نوبنیاد در دوره ی اغلییان

از ابتدای فتوحات اسلامی در مغرب، والیان و کارگزاران اموی و عباسی در امارت شهر قیروان اقامت می کردند و در واقع این شهر دارالاماره ی مغرب ادنی بود و دیوان هایی در این شهر ایجاد شد. در دوره ی بنی اغلب دیوان های خراج، سکه، برید و خاتم در کنار مسجد جامع قیروان تأسیس شدند (ابن رقیق قیروانی، ۱۴۱۴: ۴۱).

الف. عباسیه:

ابراهیم بن اغلب (۱۸۴ - ۲۹۶ ق)، مؤسس دولت اغلی، زمانی که به امارت رسید فقط چند ماه در قیروان اقامت کرد. او سپس تصمیم به ساخت شهر جدیدی گرفت و اولین شهر اغلی را در نزدیکی قیروان به نام عباسیه بنا نهاد. عباسیه در زمینی نسبتاً مرتفع بنا شد تا در هنگام باران های پاییزی و طغیان آب از طریق وادی زرود از خطر سیل در امان بماند (حسینی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۵۳). این شهر، در شمال قیروان، ابتدا به صورت قصری بود که با آن دو میل فاصله داشت و بعدها این ناحیه به صورت شهر درآمد و نام عباسیه به خود گرفت (بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۳۷).

امیر ابراهیم بن اغلب برای جلوگیری از شورش نظامیان در سال ۱۸۵ هجری زمینی از شخصی بنام ابن طلوت خرید و در آن قصری ساخت و اموال و سلاح خود را به صورت پنهانی به آن منتقل و در آن تفرجگاهی بنا و شروع به خرید برده کرد و تظاهر کرد که قصد دارد صنایع را در این شهر رواج دهد تا از رعیت بی نیاز گردد (ابن عذارى مراکشی، بی تا: ۹۲/۱). او سپس بردگانی را برای حمل سلاح به کار گرفت و با آماده شدن قصر، شبانه به همراه خانواده، بردگان و افراد مورد اعتمادش به آنجا منتقل شد (ابن رقیق قیروانی، ۱۴۱۴: ۱۳۵). هدف ابراهیم بن اغلب از ساختن این شهر دوری از غوغای شهر قیروان و در امان ماندن از شورش های احتمالی فرماندهان سپاه بود (حسینی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۵۴). گروهی از نویسندگان این اقدام ابراهیم اغلب را دارای پیامدهای منفی ارزیابی کردند؛ زیرا از نظر آن ها با ساخت شهر عباسیه در واقع بنی اغلب از مردم جدا و از تأیید مردمی محروم گردیدند (عثمان، ۲۰۰۰: ۲۲). نکته ی قابل توجه در ساخت این شهر شیوهی معماری آن است که تا قبل از آن در مغرب ادنی چنین شیوهی وجود نداشته است. در بنای این شهر از فنون معماری شرق و غرب خلافت تقلید شد. از سویی، این خاندان در بناهای خود به معماری بغداد و از سوی دیگر، به فنون معماری بیزانس و روم نظر داشته اند. منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸ق) شهر رصافه را در سال ۱۵۱ هجری در شرق دجله ساخت و دیوار و خندق در اطراف آن تعبیه و با باغ و بوستان آن را آراسته و در

آن قصرهایی برای خاندان عباسی و سایر اشراف بنا کرد و بازار در آن نیز دایر گشت (حموی، ۱۳۹۷: ۴۶/۳؛ عزام، ۲۰۰۹: ۱۰۶).

ابراهیم بن اغلب به تقلید از خلیفه منصور عباسی قصری در شهر عباسیه برای خود ساخت و آن را رصافه نامید و قصر دیگری به نام قصر سفید بنا کرد که دو فرزندش، عبدالله و زیاده‌الله، در آن ساکن شدند. در مورد شکل و ساخت آن اطلاعی نداریم؛ جز اینکه این قصر دارای سقف‌های عریض بوده است که در امتداد این سقف‌های عریض خدمتکارانی از جوانان صقالبه در آنجا می‌ایستادند و مهمان‌ها به انتظار می‌نشستند تا اجازتی ورود برای آنان صادر گردد (حسینی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۵۴).

در شهر عباسیه بازارهای وسیعی ایجاد شد و انواع صنعت‌ها و حرفه‌ها در آن رواج یافت و همچنین مسافرخانه‌ها و حمام‌های زیادی در این شهر بنا گشت (حموی، ۱۳۹۷: ۳۶۲/۴). خیابان‌های این شهر عریض بودند و در هر خیابان منحنی‌هایی تعبیه شده بود که مانند تهویه عمل می‌کردند (حسینی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۵۵). قابل ذکر است که خشت در این دوره بسیار مرغوب و هر خشت دارای صلابت و بزرگی قابل توجهی بوده است، به طوری که طول هر یک ۴۳ و عرض آن ۳۰ سانتیمتر بوده است. آثار باقیمانده از دوره‌ی فنیقی‌ها دارای چنین خشت‌هایی است (همان، ۱۹۶۴: ۳۵۵).

ابراهیم اغلبی مسجدجامعی به مساحت دویست ذراع در دویست ذراع با گچ و آجر و ستون‌های مرمر در عباسیه بنا کرد که سقف آن از چوب سرو بوده است (بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۳۷). مآذنه‌های آن به صورت دایره‌ای شکل و با آجر و ستون ساخته شده بود و از هفت طبقه تشکیل می‌شد که به قول بکری، محکم‌تر و بهتر از آن بنا نشده بود (بکری، بی‌تا: ۲۸). اطراف این شهر یک حصار بزرگ کشیده شده و شهر دارای پنج درب بوده است به نام‌های: باب رحمه، باب الحديد، باب غلبون، باب الریح و باب السعاده (حسینی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۵۵).

در اطراف این شهر تعدادی پادگان با اتاق‌های کوچک و با بنایی ساده بنا شد که برای اسکان نگهبانان بوده است. این نگهبانان از زنجی‌های بلاد سودان بودند و برای مقابله با قیام‌های داخلی به کار گرفته می‌شدند (همان، ۱۹۶۴: ۳۵۶). با ساخت شهر رقاده در این دوره نام شهر عباسیه به قصر القدیم تغییر یافت و شکوفایی اولیه‌ی خود را از دست داد (سالام، ۱۹۸۱: ۴۵۶)؛ اما با وجود انتقال پایتخت به رقاده و انتقال سایر بخش‌های دولت، تا اواخر قرن سوم هجری جمعیت بسیاری همچنان برای سکونت در این شهر باقیمانده بودند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۳۷). در این شهر نیز افراد سرشناسی چون ابی‌العرب محمد بن احمد تمیمی، مورخ و عالم و ادیب

افریقی، زاده شدند. ابی‌العرب به دلیل متولد شدن در این شهر به قصری معروف بوده است (حسنی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۵۷).

شهر عباسیه با حمله‌ی اعراب بنی هلال در قرن پنجم هجری ویران شد و در حفاری‌های باستان‌شناسی فقط یک حوضچه‌ی بزرگ ذخیره که مربوط به سیستم آبرسانی آن دوره است، کشف گردید (کوئنو، ۱۳۸۴: ۱۶۸).

ب. شهر عباسیه‌ی دوم:

محمد بن اغلب بن ابراهیم در سال ۲۳۹ هجری در نزدیکی تاهرت شهری به نام عباسیه بنا نهاد که توسط افلح بن عبدالوهاب اباضی (حاکم مغرب اوسط) ویران گشت. افلح به خاطر این کار از امیر اموی، محمد اول، در اندلس یک‌صد هزار درهم جایزه گرفت (بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۳۷). این دومین شهر ساخته‌شده در این دوره بود.

در مورد این شهر اطلاعات زیادی وجود ندارد ولی با توجه به اینکه این شهر در دوره‌ی شکوفایی دولت اغلبی ساخته شد به نظر می‌رسد که شهر قابل ملاحظه‌ای بوده است. این شهر به دلیل اینکه در مرز بین اغلبه و بنی رستم در مغرب اوسط ساخته شد بلافاصله ویران گشت. بعد از سقوط دولت بنی اغلب و بر اثر نبردهای پیش آمده در این منطقه بسیاری از آثار تمدنی، فرهنگی و علمی این دوره از بین رفت و اطلاعات ما درباره‌ی فضای تمدنی و شهری این بخش از قلمرو بنی اغلب بیشتر به گزارش سفرنامه‌ها، کتب جغرافیایی و اندک آثار باستانی متکی است.

ج. شهر رقاده؛ نماد تلفیق معماری رومی - اسلامی:

سومین شهری که در این دوره ساخته شد، شهر رقاده بود. این شهر نسبت به دو شهر قبلی از درخشندگی و شکوفایی زیادی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و علمی برخوردار گشت به طوری که می‌توان این شهر را در ردیف مهم‌ترین شهرهای اسلامی قرار داد.

بعد از ساخت شهر عباسیه توسط ابراهیم بن اغلب به مرور دولت اغلبی به نهایت شکوفایی خود رسید. امرای بعدی چون امیر ابراهیم دوم در پی ساختن شهرهای جدیدی برآمدند. شهر رقاده توسط ابراهیم بن احمد در سال ۲۶۳ هجری بنا شد. این شهر با شهر قیروان ۸ میل فاصله داشت (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱۲۷) و مساحت آن ۲۴۰۴۰ ذرع بود و اطراف آن باغ‌ها و بستان‌های فراوانی قرار داشت (بکری، بی‌تا: ۲۷؛ حموی، ۱۳۹۷: ۵۵/۳). دور رقاده دیوار محکمی کشیده شد که دارای هفت درب بوده است (حسنی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۶۳).

در افریقیه از رقاده خوش آب‌وهواتر وجود نداشته است و نام رقاده که به معنی خواب گوارا است مایه‌گرفته از یک داستان شبه‌افسانه‌ای است. نقل شده است که یکی از ابراهیم بن احمد اغلبی دچار بی‌خوابی گشت و اسحاق طبیب به وی توصیه کرد که به پیاده‌روی و تفریح پردازد و وی با رسیدن به محل رقاده خواب رفت و از آن زمان رقاده نامیده شد و جایی برای تفریح و تفرج امراء گشت و ابراهیم بن احمد اغلبی آن را پایتخت و محل سکونت خود قرار داد (حموی، ۱۳۹۷: ۵۵/۳). با وجود اینکه فروش شراب در قیروان ممنوع شده بود، در رقاده بلا مانع اعلام شد. به نظر می‌آید ضمن آنکه آب‌وهوا و فضای طبیعی رقاده در زیباسازی شهر و تبدیل آن به یک مرکز تفریحی نقش داشته است، نگرش تسامح‌آمیز حکومت حتی نسبت به برخی منهیات نیز در تبدیل بیش‌ازپیش این شهر به یک نقطه‌ی تفریحی و توریستی تأثیر داشته است. استناد به اشعار آن دوره به خوبی این امر را تأیید می‌کند مثلاً:

یا سید الناس و ابن سیدهم و من إلیه القلوب منقاده
ما حرم الشرب فی مدینتنا وهو حلال بأرض رقاده

امیر ابراهیم دوم اغلبی در رقاده قصر مخصوصی به نام قصر الفتح برای خود بنا کرد (ابن عذاری مراکشی، بی‌تا: ۱۱۷/۱) که در آن از نمایندگان دیگر دولت‌ها استقبال می‌کرد. این قصر اتاق‌های بسیاری داشت و نگهبانان زیادی برای آن گمارد. او همچنین قصر دیگری به نام قصر الصحن بنا کرد و به دلیل اینکه صحن بزرگی داشته است به این نام معروف شد (حسینی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۶۴).

شهر رقاده یکی از مراکز علمی دولت بنی‌اغلب به شمار می‌آمد. در این دوره بیت‌الحکمه در داخل قصر الصحن تأسیس شد و بعد از آن قصر بغداد و قصر المختار بنا شد که هر یک دارای باغ و بستان‌های زیادی بودند و حوضچه‌های آب نیز برای آن تعبیه گشت. اندازه‌ی این حوضچه‌ها به اندازه‌ی قصر بستگی داشت (همان، ۱۹۶۴: ۳۶۴). همچنین در وسط این شهر مسجدجامعی بنا شد که مرمر آن از صقلیه آورده شد. در دوره‌ی فاطمیان این مرمرها به شهر مهدیه منتقل شد. دولت برای این مسجد عظیم امام جماعت تعیین کرده بود و به او ده هزار دینار حقوق داده می‌شد (همان، ۱۹۶۴: ۳۶۷). بکارگیری مرمر در معماری مساجد و قصرها مایه‌گرفته از معمار رومی است زیرا در دوره‌ی رومی‌ها در شهر قرطاجنه قصرهایی وجود داشت که با مرمر ساخته شده بود (ابن ابی دینار، ۱۲۸۶: ۲۰).

از دیگر عناصر مسجد جامع که شاید در مساجد اسلامی نمی‌توان آن را یافت، باید به اتاق کوچکی اشاره کرد که در کنار محراب ساخته می‌شد. در این اتاق کوچک بزرگان دولت و سرشناسان برای مشورت در مواردی چون انتخاب قاضی جماعت قیروان، اعلام جنگ یا تجهیز سپاه برای جنگ جمع می‌شدند (حسینی

عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۶۷). شاید این مجلس کوچک مشورتی متأثر و الگوبرداری از مجمع دارالندوه دوره‌ی قبل از اسلام باشد. در رقاده بازارهای مختلف، مسافرخانه‌ها و حمام‌های عمومی ایجاد شد و در مسیر بین رقاده و قیروان به صورت شبانه‌روز رفت‌وآمد بوده است (ابن رقیق قیروانی، ۱۴۱۴: ۳۹).

قبل از روی کار آمدن خاندان اغلیبی، خاندان مهلبی اهتمام زیادی به آبادانی افریقیه داشتند به خصوص یزید بن حاتم مهلبی (۱۵۴-۱۷۱ ه.ق) نقش مؤثری در پیشرفت این منطقه داشته است. وی کسی بود که بازارها را در قیروان برپا کرد (همان، ۱۴۱۴: ۳۲).

در پشت دیوار شهر رقاده میدانی به نام «ملعب» ساخته شده بود. نمایندگان و سفرای دولت‌ها ابتدا در آن پیاده می‌شدند و نیز در آن اسب‌ها به مسابقه می‌پرداختند. در کنار این میدان، نمازخانه‌ای بود که نمازهای اعیاد در آن برپا می‌شد (حسینی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۶۹). در دوره‌ی رومی‌ها در شهر قرطاجنه میدانی به نام طیاطیر وجود داشت که برای مسابقه‌ی بین اسب‌ها ساخته شده بود (ابن ابی دینار، ۱۲۸۶: ۳۱)؛ لذا می‌توان میدان ملعب عهد اغلیبی را احیای سنت‌های رومی ارزیابی کرد.

در افریقای شمالی میراث رومی در کنار تمدن اسلامی بسیار استفاده می‌شد (مارسیه، ۱۹۶۸: ۹۹) و نمونه‌ی بارز این بکارگیری را در ساخت آب‌انبارها و در فنون معماری می‌توان مشاهده کرد.

عصر قرطاجنی از نیمه‌ی قرن نهم قبل از میلاد تا نیمه‌ی دوم قرن دوم قبل از میلاد ادامه داشت و یکی از مهم‌ترین دوره‌های مغرب است. در این دوره فن معرق روی کاشی بسیار بکار گرفته می‌شد. ماهی در آداب دینی آنان از تقدس خاصی برخوردار بود و تصویر آن را بر روی سنگ و یا چوب حک می‌کردند (بیومی مهران، ۱۴۱۰: ۲۰۵). در تاریخ پیش از اسلام در مغرب بعضی حیوانات از دوره‌ی قبل از عصر قرطاجی مقدس شدند و در دوره‌های بعدی نیز این سنت ادامه یافت. ماهی در عصر قرطاجی در منطقه‌ی تونس فعلی مقدس گشت (همان).

اغالبه نیز در معماری شهر رقاده از شیوه‌های رومی و بیزانسی و به خصوص از فن معرق روی کاشی در کف اتاق‌ها و تزئین کناره‌های مواجیل (حوضچه‌های بزرگ آب) در قصر الفتح استفاده کردند و نمادهایی از گل و شکوفه با رنگ‌های مختلف بر روی آثار حک می‌شد. به نظر می‌رسد اغالبه از رومیان ساکن در افریقیه و همچنین از افراد خیره از سیسیل در این نوع فنون استفاده کرده‌اند (حسینی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۶۵).

از شاهکارهای مهندسی شهر رقاده می‌توان به تأسیسات مختلفی اشاره کرد که در شهر ایجاد شد. به‌عنوان نمونه، می‌توان به انتقال آب از قیروان به شهر رقاده که مساحتی معادل ۸ کیلومتر بود اشاره کرد. به تبع آن حوضچه‌های بزرگی ایجاد شد.

در شهر رقاده مواجیل به شکل مستطیلی بودند که ساخت آن‌ها به دوره‌ی ابراهیم دوم مربوط می‌شد و این مخازن تقلیدی از دوره‌ی رومی بود (مارسیه، ۱۹۶۸: ۱۰۰) و نمونه‌ی آن در دوره‌ی روم در شهر قرطاجنه وجود داشته است. اما به قول ابن ابی دینار معلوم نبود که آب این حوضچه‌ها از کجا تأمین و روانه‌ی آن‌ها می‌شده است. همچنین؛ از لحاظ نوع معماری این حوضچه‌ها ساختار عجیبی داشته‌اند. (ابن ابی دینار، ۱۲۸۶: ۲۰). در شهر عباسیه به نوعی می‌توان شاهد حضور عامل سیاسی در سبک شهرسازی باشیم و آن ساخت پادگان در جوار شهر بوده است که در صورت بروز هرگونه شرایط حاد سیاسی سپاهیان بتوانند به سرعت وارد عمل شوند. ابراهیم دوم به تقلید از جدش ابراهیم اول در شهر عباسیه، سربازان را در پادگان‌هایی در کنار شهر رقاده مستقر کرد که تعداد آن‌ها ده هزار نفر بوده است. در این پادگان‌ها برج‌های مخصوص کبوترهای نامه‌رسان ایجاد شد. این کبوترها طی یک روز نامه‌ها را به سیسیل و طرابلس می‌رساندند (حسنی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۷۱).

باستان‌شناسان تونس و فرانسوی در کاوش‌های خود در ویرانه‌های رقاده آثاری یافتند که حکایت از وجود اصطبل‌ها، چند کاخ، آب‌انبارها، ساختمان‌ها و دریاچه‌های مصنوعی در این شهر دارد (هالم، ۱۳۷۷: ۱۷). در معماری شهر رقاده، مسیرها و خیابان‌ها به صورت گسترده و عریض طراحی شده‌اند تا آراجه‌ها به آسانی در این مسیرها تردد کنند؛ چون در این دوره آراجه‌ها بسیار مورد استفاده بودند و برای حمل و نقل ابزارآلات سنگین سپاه و مواد ساختمانی بکار گرفته می‌شدند. بعد از سقوط این دولت، خبری از استفاده از آراجه‌ها در افریقه گزارش نشده است. قدمت استفاده از این آراجه‌ها به دوره‌ی فنیقی‌ها و رومی‌ها مربوط می‌شود (حسنی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۷۱-۳۷۲). چنانچه ذکر شد، در دوره‌ی فنیقی‌ها اسب را برای کشیدن آراجه‌ها بکار می‌گرفتند و تعداد این آراجه‌ها بسیار زیاد بوده است (پولم، ۱۹۴۷: ۳۵). آخرین امیر اغلی یعنی زیاده‌الله سوم این شهر را به اوج زیبایی خود رساند و در واقع اقدامات امیر ابراهیم دوم را تکمیل کرد. وی در رقاده قصر زیبایی به نام قصر البحر در سال ۲۹۰ هجری تأسیس کرد که در وسط آن باغ بزرگی بود و در کنار آن حوضچه‌ی بزرگ آب (مؤجل) به طول ۴۲۵ متر و عرض ۴۰۰ ذراع وجود داشت. به دلیل وجود این حوضچه‌ی بزرگ، به این قصر، قصر البحر می‌گفتند (حسنی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۷۳). این اثر معماری بزرگ شگفتی ابوعبیدالله مهدی را هنگام ورود به رقاده برانگیخت و به زیبایی آن اعتراف کرد (الاستبصار فی عجائب الامصار، ۱۹۸۵: ۱۱۵).

از قصرهای دیگری که زیاده‌الله سوم در شهر رقاده بنا کرد، قصر العروس بود که دارای چهار طبقه بود و هزینه‌های ساخت آن بالغ بر ۱۳۲ هزار دینار بوده است (حسنی عبدالوهاب، ۱۹۶۴: ۳۷۳). آخرین شخصی

که در دوران اغالبه کارهای عمرانی شهر رقاده به وی سپرده شد، ابومسلم منصور بن اسماعیل بن یونس بود که در سال ۲۹۲ هجری شکل شهر را کامل کرد (ابن عذاری مراکشی، بی تا: ۱۳۷-۱۳۸).

در شرق خلافت، عباسیان در معماری سامرا تأسیسات آبی وسیعی ایجاد کردند که نمای قصرها و درختان در آن منعکس می شد؛ اغالبه نیز همین شیوه را در مغرب اجرا کردند و در کنار قصرهای خود خزاین بزرگ آب ایجاد کردند مانند قصر البحر (مارسیه، ۱۹۹۱: ۱۵). در بعضی از آثار باقیمانده از معماری های این دوره، بکارگیری فن کاشی کاری دیده شده است که نشان از دخالت صنعتگران محلی است؛ این صنعتگران در واقع میراث دار کسانی بودند که در دو قرن پیش در تزئین کنیسه ها مشغول بوده اند.

سرنوشت شهر رقاده بسیار غم انگیز بوده است. بعد از شنیدن خبر فرار امیر زیاده الله سوم به مصر و پیروزی ابوعبدالله شیعی در نبرد با بنی اغلب، اهل قیروان به شهر رقاده حمله بردند و آن را غارت کردند و ابوعبدالله شیعی نیز مانع آن ها نشد (شاکر، ۱۴۲۱: ۱۰۵). با ساخت شهر مهدیه در دوره ی فاطمیان در مغرب ادنی، شهر رقاده رونق سابق خود را از دست داد و ساکنان آن پراکنده شدند و همچنان رو به ویرانی می رفت تا اینکه معد پسر اسماعیل (یکی از امرای فاطمی) بر آن چیره شد و بقایای آن را درهم کوبید و به جز باغ ها، از آن چیزی باقی نماند (حموی، ۱۳۸۰: ۵۲۵/۱).

مساجد در دوره ی بنی اغلب

الف. مسجد جامع قیروان

قیروان یکی از شهرهای مغرب ادنی است. این شهر در دوره ی فتح مغرب ادنی توسط عقبه بن نافع در سال ۵۰ هجری ساخته و مسجدی نیز در آن بنا شد. در واقع قیروان یکی از شهرهای اسلامی است که مانند بصره، کوفه و فسطاط توسط فاتحان مسلمان پایه گذاری گردید. این شهر در ابتدا ویژگی یک پادگان نظامی را داشت (زیدان، ۱۹۳۲: ۷) و بیشتر برای استقرار مسلمانان و تثبیت فتوحات اسلامی بکار می رفت و در آن پادگان و نگهبانانی تعیین می شد (فروخ، ۱۳۷۸: ۶۲-۶۳).

روند ساخت مسجد نشان می دهد که در ابتدا این مسجد به سبک کاملاً اسلامی ساخته شد. سادگی مهم ترین ویژگی سبک اسلامی مساجد بود که در اوایل این مسجد نیز بر این سبک بوده است؛ اما در دوره های بعدی با تغییراتی که در آن صورت گرفت فضای معماری آن تغییر یافت. ساخت اولیه ی مسجد قیروان از ستون هایی از تنه ی نخل و سقف مرتفع بوده است و در دوره ی والیانی چون حسان بن نعمان (۸۰ هجری)، بشر بن صفوان کلبی (۱۰۵ هجری)، یزید بن حاتم (۱۵۵ هجری) و زیاده الله دوم (۲۲۱ هجری) تغییراتی روی این

مسجد اعمال شد ولی شکل نهایی آن با زیبایی تمام در دوره‌ی ابراهیم بن احمد اغلبی شکل گرفت (مؤنس، ۱۹۸۱: ۱۵۵-۱۵۷). حسان بن نعمان اطراف محراب این مسجد را تخریب کرد و آن را دوباره ساخت و دو عمود قرمز رنگ بی‌نظیری در آن نهاد (بکری، بی‌تا: ۲۲). در دوره‌ی ابوجعفر المنصور محمد بن اشعث بن عقبه (۱۴۴ هجری) بعد از نبرد با خوارج دیوار قیروان را با خشت به وسعت ۱۹ ذراع ساخت (ابن ابی دینار، ۱۲۸۶: ۴۴). والیان مهلبی در پیشرفت جامع قیروان و ایجاد بازار در تونس و ایجاد رباط در مغرب ادنی اهتمام خاصی ورزیدند (عبدالرؤف الفقی، ۱۸۹۴: ۱۳۴).

یزید بن حاتم بن المهلب ابی صفره در سال ۱۵۵ هجری وارد افریقیه شد و مسجد جامع قیروان را تخریب کرد و دوباره آن را ساخت و در بنای آن عمودهای سبزرنگ گرانقیمتی استفاده کرد (ابن ابی دینار، ۱۲۸۶: ۴۵).

با شروع دوره‌ی بنی‌الغلب، در دوره‌ی زیاده‌الله اول اغلبی (۲۰۱-۲۲۳ ه. ق) کل مسجد ویران شد و آن را با مرمر سفید منقوش با نوشته دوباره بنا کرد و عمودهای قرمز رنگی روبه‌روی محراب قرار داد. این مسجد تازه تأسیس ۴۱۴ عمود و ۱۷ صحن داشت که طول آن‌ها ۲۲۰ ذراع و عرض آن‌ها ۱۵۰ ذراع بوده است و مقصوره‌ای در آن ساخته و ۶۸ هزار مثقال طلا برای بنای آن صرف شد (بکری، بی‌تا: ۲۳-۲۴).

در اهمیت این مسجد همان بس که بدانیم زیاده‌الله اغلبی ساخت این مسجد را یکی از چهار عمل مهمی دانسته که باعث ورود او به بهشت می‌گردد؛ چه وی در مراسم تدفین یکی از قضات در مورد ساخت جامع قیروان چنین گفته است: «ما أبالی ما قدمت علیه یوم‌القیامه و فی صحیفتی أربع حسنات: بنیانی المسجد الجامع بالقیروان، و بنیانی قنطره أبی الربیع، و بنیانی حصن مدینه سوسه، و تولیتی احمد بن أبی محرز قاضی افریقیه» (ابن عذارى مراکشى، بی‌تا: ۱۰۶/۱). (از قیامت هراسی ندارم چرا که چهار عمل نیک در نامه‌ی اعمالم وجود دارد: ساخت مسجد جامع شهر قیروان، همچنین ساختن پل ابی ربیع و ساخت دیوار و قلعه‌ی شهر سوسه و مورد چهارم گماردن احمد بن ابی ربیع به‌عنوان قاضی افریقیه).

در این دوره، فنون معماری بیزانسی‌ها در افریقیه ماند و با فنون دیگر ملل امتزاج یافت. نمونه‌ی این امتزاج در منبری که در قیروان یافت شده قابل تشخیص است. این منبر در دوره‌ی ابراهیم دوم ساخته شد و چوب آن سرو بود که از شرق آورده شد. شکل منبر شبیه عرش است که ۱۱ پله داشته است. بر چوب‌های آن شکل‌های هندسی یا شکل‌های گیاهان طراحی شده که شکل‌های هندسی در واقع برگرفته از فن بیزانسی است و این نوع تزئین بیانگر همکاری بین افارقه و مشرقی‌ها در معماری این دوره است (مارسیه، ۱۹۶۸: ۸۴-۸۸)؛ اما

شکل‌های موجود بر الواح هندسی منبر شباهت زیادی با یکی از دیوارهای دیرهای قبطی است و به نظر می‌رسد که این شکل‌ها برگرفته از کاشی‌کاری رومی است (همان، ۱۹۶۸: ۹۰).

مقدسی در مورد مسجد جامع قیروان در کتاب احسن التقاسیم خود ذکر می‌کند: «جامع ایشان (قیروان) در جایی به نام سماط کبیر در میان بازار و ناف شهر بوده است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۲۰). از این سخن مقدسی می‌توان به تقلید از فنون معماری شرق خلافت خصوصاً در تعیین فضای جغرافیایی مسجد در ساخت شهر در مغرب اسلامی پی برد. در فنون معماری شرق اسلامی مسجد در قلب شهر و بازار در اطراف آن قرار دارد و مسجد هسته‌ی مرکزی شهر است. ستون‌های مسجد قیروان از مرمر بود و با مرمر نیز کف آن پوشیده شده بود و ناودان‌های آن از سرب و دارای دوازده دروازه و پانزده کوچه بوده است.

بنی اغلب در تزئین قصرها و محراب مساجد از شیوه‌ی عراق تقلید می‌کردند و حتی افراد متخصص عراقی را در این امر به کار می‌گرفتند (عبدمحمد، بی‌تا: ۳۵۴).

شکل مساجد شهرهای قیروان و تونس از لحاظ شکل و ظاهر شباهت زیادی به کنیسه‌های بزرگ دارند و همچنین شکل قبه‌ی آن شبیه کنیسه است ولی صحن این دو مسجد شکل و طرح عربی دارد و مربع بودن مأذنه به اصل سوری برمی‌گردد. مرکز و نقشه‌ی قوس‌ها و سقف به شکل مسطح از اصل مصری؛ اما شکل قبه به شیوه‌ی عراقی است (مارسیه، ۱۹۹۱: ۱۵). شکل نهایی مسجد قیروان را ابراهیم بن احمد اغلبی ایجاد و نمازخانه‌ای در آن بنا کرد که مساحت آن از نصف مساحت کل مسجد بزرگ‌تر بوده است و مأذنه‌ای در پشت دیوار بنا کرد که شبیه مناره‌های صومعه‌ها است و این آمیختگی فنون تا به امروز آشکار است (مؤنس، ۱۹۸۱: ۶۶).

مأذنه‌ی مسجد قیروان دارای دو بخش بوده است: ۱ - بدن یا قاعده که بنایی مربع‌شکل و با ارتفاع داشته است که برگرفته از شکل برج است؛ ۲ - مناره که روی برج به صورت دو بنای واحد روی هم قرار گرفته است و برای بالا رفتن از این مناره از نردبان کوچک چوبی استفاده می‌کردند و گفته می‌شود که ستون‌های این مسجد از صقلیه و جنوب ایتالیا آورده شده است (همان، ۱۹۸۱: ۱۱۵).

این مسجد دارای صحن بزرگی است که اطراف آن را ستون‌هایی از مرمر فراگرفته است و یکی از ویژگی‌های این مسجد شکل مأذنه و محل استقرار آن است. این مأذنه شبیه یک برج بوده است که بر دیوار بیرونی مسجد بنا شده و یکی از زیباترین و نادرترین مأذنه‌ها به شمار می‌آید که دارای ارتفاع ۳۱/۳۷ متر و دارای سه طبقه بوده است. ارتفاع طبقه‌ی دوم ۵ متر و طبقه‌ی سوم ۷/۵ متر بوده است. مسجد از بیرون شبیه قلعه است و

دارای دیوارهای بلندی است و به نظر می‌رسد که مساجد غرب اسلام از معماری قصرهای مغربی تأثیر پذیرفته‌اند (همان، ۱۹۸۱: ۱۱۵).

ذکر شده است مأذنه‌ی این مسجد یکی از قدیمی‌ترین مأذنه‌هایی است که از دوره‌ی اغلبی باقی مانده است و شباهت‌های زیادی با شکل برج‌های ناقوس سوریه دارد که در دمشق و در وسط نمای جلوی صحن استوار است مانند مأذنه‌ی دمشق. می‌توان چنین نتیجه گرفت که نقشه‌ی این مسجد معماری مسیحی و یا به صورت دقیق‌تر مسیحی افریقی است، از لحاظ مبانی مصری و از لحاظ مأذنه سوری و قبه‌های آن بین‌النهرینی است.

ب. مسجد جامع سوسه

مسجد جامع سوسه یکی دیگر از مساجدی بود که در دوره‌ی اغلبی ساخته شد. مسجد جامع سوسه در ایام ابی‌العباس عبدالله بن ابراهیم بن احمد اغلبی در شبه‌جزیره‌ی نزدیک باب البحر در سال ۲۳۶ هجری بنا شد و شبیه مسجد قیروان است و تعداد عمارت‌های آن ۱۵ عدد بوده است (مؤنس، ۱۹۸۱: ۱۷۲).

این مسجد دارای دو قبه است که در جهت رواق میانی قرار گرفته‌اند و شکل قدیمی این مسجد تا به امروز تغییر زیادی نکرده است (فرحات، بی‌تا: ۶۱). شکل این مسجد شبیه کنیسه‌ها است که در دوره‌های قبلی در افریقیه دایر بوده‌اند. در جهت شمال و جنوب این مسجد دو برج دایره‌ای شکل وجود دارد و در بالاتر از این دو برج، قبه‌ی دایره‌ای شکل وجود دارد و بعضی ستون‌های نمازخانه و کناره‌های آن به شکل نعل اسب بوده است که بر ستون‌هایی سنگی استوار شده‌اند. این مسجد مستطیل شکل و دارای مساحت زیادی بوده و طول آن ۵۷ متر و عرضش ۵۰ متر منظر جامع بسیار زیبا بوده است (مؤنس، ۱۹۸۱: ۱۷۲).

نتیجه

افریقیه قبل از بنی اغلب به دلیل هرج و مرج فراوان از ثبات سیاسی برخوردار نبوده است. با تشکیل دولت اسلامی بنی اغلب در مغرب ادنی (۱۸۴-۲۹۶ ق) حیات این منطقه در ابعاد مختلف تحولات جدیدی را شاهد گردید که معماری یک نمونه از آن‌ها بود. در معماری این دوره، فنون مختلف بیزانسی، رومی و افریقی بکار گرفته شد و در آثار امتزاج یافت و در ساخت هر بنایی نمادی از فنون ملل مختلف دیده می‌شود. در سایه‌ی تسامح مذهبی، علاقه به عمران و آبادی و امنیت و اوضاع مناسب این دوره، امتزاج فنون در معماری به شکل چشم‌گیری انجام گرفت. شهرسازی در این دوره رواج داشته است و شهرهایی چون عباسیه‌ی اول و رقاده نمونه‌ی شهرهای اسلامی هستند که فنون معماری ملل مختلفی در آن‌ها دیده می‌شود. معماری دوره‌ی بنی اغلب نوعی معماری بین‌المللی بود که از سویی، نگاهی به فنون رایج در مغرب ادنی در دوره‌های قبل

(رومی - بیزانسی و افریقی) و از سوی دیگر، نگاهی به فنون معاصر رایج آن زمان در سایر بلاد (ایرانی، سوری و بغدادی) داشت. با بررسی معماری شهرهایی چون عباسیه و به خصوص رقاده درمی یابیم که این امتزاج به شکل زیبایی رخ داده است و اینکه هر شهر از لحاظ معماری دارای چند هویت بود، تأییدی برای این تلفیق است. مساجد در این دوره از لحاظ کاربرد، دارای بعضی فنون اسلامی است ولی از لحاظ شکل کلی، شبیه برج و کنیسه‌های دوره‌ی رومی - بیزانسی است. در واقع، بنی اغلب حلقه‌ی وصل بین فنون معماری اسلامی با فنون معماری غیراسلامی در تاریخ مغرب ادنی هستند و این امتزاج بر زیبایی معماری اسلامی افزوده است. این اتفاق در معماری برای اولین بار در افریقیه‌ی عهد اغلبی رخ داد. بر این اساس، می توان از این وضعیت معماری با بیانی قریب به یقین اذعان کرد که این حرکت عمرانی در عهد بنی اغلب گویای این واقعیت است که اسلام و مسلمانان بر خلاف آنچه برخی از نویسندگان مستشرقی در نوشته‌های خود درباره‌ی تخریب و ویرانی شمال آفریقا توسط مسلمانان اذعان می کنند، نه تنها نفی و رد می گردد بلکه به نوعی خلاف این گفتار را به اثبات می رساند؛ زیرا مسلمانان در شمال آفریقا عامل تغییر و تحول در عملیات عمرانی و شهرسازی با تمام مؤلفات آن بوده و باعث ساخت شهرهای جدید، ترمیم شهرهای فرسوده، ساخت مسجد، قصر، پل و فضای شهری مناسبی بوده‌اند. نکته‌ی دیگر اینکه مسلمانان با تسامح و احترام به معماری سایر ملل از آن جهت بهتر شدن فضای شهرها بهره گرفتند. دولت بنی اغلب نمونه‌ی بسیار عالی این حرکت تمدنی در افریقیه بوده است.

کتابنامه

- ابن ابی دینار، محمد بن ابی قاسم (۱۲۸۶)، المونس فی اخبار افریقیه و تونس، تونس: بی نا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۲۷)، مقدمه، ضبط، شرح و تقدیم محمد الاسکندرانی، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن رقیق قیروانی، ابراهیم بن قاسم (۱۴۱۴)، تاریخ افریقیه و المغرب، تقدیم، تحقیق و تعلیق محمد زینهم محمد عرب، بی جا: دارالفرجانی للنشر و التوزیع.
- ابن عذاری مراکشی، محمد بن محمد (بی تا)، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، تحقیق و مراجعه لووی پروونسال و ج. س. کولان، بیروت: دار الثقافه.
- اصطخری، ابی اسحاق ابراهیم بن احمد (۱۹۷۶)، مسالک و الممالک، لیدن: بریل.
- الاستبصار فی عجائب الامصار (۱۹۸۵)، بی جا: الدار البیضاء.
- بکری، ابی عبید (بی تا)، المغرب فی ذکر بلاد افریقیه و المغرب، بغداد: مکتبه المشنی.

- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه و مقدمه‌ی محمد توکل، بی‌جا: نشر نقره.
- بیومی مهران، محمد (۱۴۱۰)، المغرب القديم، اسکندریه: دارالمعرفه الجامعیه.
- پولم، دنیس (۱۹۴۷)، الحضارات الافریقی، ترجمه‌ی علی شاهین، بیروت: دار المکتبه الحیاه.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۶۲)، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
- حسنی عبدالوهاب، حسن (۱۹۶۴)، ورقات عن الحضاره العربیه بافریقیه التونسیه، تونس: مکتبه المنار.
- حموی، یاقوت (۱۳۹۷)، معجم البلدان، بیروت: دارصادر.
- _____ (۱۳۸۰)، معجم البلدان، ترجمه‌ی علینقی منزوی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- زیدان، جرجی (۱۹۳۲)، فتاه القیروان، بی‌جا: انتشارات الهلال.
- سالم، عبدالعزیز (۱۹۸۱)، المغرب الكبير العصر الاسلامی، بیروت: دارالنهضه العربیه.
- شاکر، محمود (۱۴۲۱)، تاریخ الاسلامی - الدوله العباسیه، بیروت: المکتب الاسلامی.
- شهیدی پاک، محمدرضا (۱۳۸۹)، تاریخ تحلیلی مغرب، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- عبدالرؤف الفقی، عصام الدین (۱۸۹۴)، تاریخ المغرب و الاندلس، قاهره: مکتبه النهضه الشرق.
- عبدمحمد، سوادی (بی‌تا)، احوال الاجتماعیه و الاقتصادیه فی بلاد المغرب الاسلامی منذ قرن الثانی الهجری حتی نهايه القرن السابع، بصره: کلیه دارالتربیه.
- عثمان، نجوی (۲۰۰۰)، مساجد قیروان، دمشق: دارعکرمه.
- عزام، خالد (۲۰۰۹)، موسوعه التاريخ الاسلامی العصر العباسی، اردن: دار اسامه النشر و التوزیع.
- فاسی، تقی‌الدین (۱۳۸۶)، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ترجمه‌ی محمد مقدس، تهران: مشعر.
- فرحات، یوسف (بی‌تا)، المساجد التاريخیه الكبرى، طرابلس: دارالشمال للطباعه و النشر و التوزیع.
- فروخ، عمر (۱۳۷۸)، العرب و الاسلام فی الحوض الغربی من البحر الابيض المتوسط، بیروت: منشورات المکتب التجاری.
- کوئنو، پائولو (۱۳۸۴)، تاریخ شهرسازی جهان اسلام، ترجمه‌ی سعید تیزقلم زنوزی، تهران: شرکت عمران و بهسازی.
- مارسیه، جورج (۱۹۶۸)، الفن الاسلامی، ترجمه‌ی عقیف بهنسی، دمشق: منشورات وزار الثقافه و السیاحه و الارشد القومي.
- _____ (۱۹۹۱)، بلاد المغرب وعلاقاتها بالمشرق الاسلامی فی العصور الوسطی، ترجمه‌ی محمود عبدالصمد هیکل، اسکندریه: انتشارات اوفست.
- محمدزیتون، محمد (۱۴۱۱)، المسلمون فی المغرب و الاندلس، اسکندریه: بی‌نا.
- محمد کرو، محمد (۱۹۸۹)، عصر القیروان، دمشق: دار طلاس للدراسات و الترجمه و النشر.

مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه‌ی علینقی منزوی، بی‌جا: چاپ کاویان.

مؤنس، حسین (۱۹۸۱)، المساجد، کویت: عالم‌المعرفه.

_____ (۱۳۸۴)، تاریخ تمدن مغرب، ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی، تهران: انتشارات سمت.

هالم، هاینس (۱۳۷۷)، فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: نشر و پژوهش فروزان.

یعقوبی، ابن واضح (۱۳۸۷)، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

_____ (۱۳۶۲)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

جدول سلسله حاکمان اغلی در مغرب ادنی (افریقیه)

ردیف	نام حاکم	دوره‌ی حکومت	پایتخت دولت	اقدامات عمرانی
۱	ابراهیم بن اغلب	۱۸۴-۱۹۶ق	قیروان	بنای عباسیه‌ی اول
۲	عبدالله ابن ابراهیم	۱۹۶-۲۰۱ق	"	-
۳	زیاذه‌الله اول	۲۰۱-۲۲۳ق	"	ساخت مواجیل و دژ شهر سوسه
۴	ابوعقال اغلب بن ابراهیم	۲۲۳-۲۲۶ق	"	-
۵	محمد بن اغلب بن ابراهیم	۲۲۶-۲۴۲ق	"	بنای شهر عباسیه‌ی دوم
۶	احمد بن محمد بن اغلب	۲۴۲-۲۴۹ق	"	-
۷	زیاذه‌الله دوم	۲۴۹-۲۵۰ق	"	-
۸	محمد بن ابراهیم بن محمد	۲۵۰-۲۶۱ق	"	-
۹	ابراهیم بن احمد بن محمد	۲۶۱-۲۸۹ق	قیروان - رقاده	بنای شهر رقاده، قصرالفتح، قصر الصحن، بیت‌الحکمه
۱۰	ابوالعباس بن ابراهیم	۲۸۹-۲۹۰ق	رقاده	ساخت مسجد جامع سوسه
۱۱	زیاذه‌الله سوم	۲۹۰-۲۹۶ق	"	بنای قصرالعروس

The role of the Aghlabids Dynasty in the evolution of urban planning and Islamic architecture in the Maghrib al-Adna

Bahador Ghayem 1

Maryam tabagh 2

Abstract

The Bani Al-Aghlab's state (184-296 AH) was formed in the Maghrib al-Adna and was confirmed by the Abbasid caliphate. During this period of architecture, new and tremendous changes took place, leading to the emergence of a new form of urbanization. In the Urban Architecture of Aghlabids, a combination of Roman-Byzantine, Amazighi, Iranian-Islamic architectural features has been seen. This evolutionary process has been the result of a policy of delusionalism and a lack of bias in the utilization of the various techniques of other nations in architecture. Cities like Abbasiyah I and II and Raghadeh are the real actors of this mix of techniques in this period, besides, mosques as the other element of Islamic architecture did not deviate from this effect, so that developments in the new architecture can be found in the mosques of, Abbasia, Qirwan and Raghadeh..

Keywords: Bani Al- Aghlab, Maghrib al-Adna, Islamic architecture, Raghadeh, Qiyarwa, Abasy.

¹ . Associate Professor at Shahid Chamran University, Ahwaz.

Ghayem.b@scu.ac.ir

² .M.A. of History of Islamic at Shahid Chamran University, Ahwaz. M.tabagh71@gmail.com